# انقلابیون یمن در سه پرده

امین‌الاسلام تهرانی

**تداوم و تعمیق عملیات‌های انقلابیون یمن در سه جبهه هم‌زمان، نشان‌دهنده گذار از مرحله دفاع صرف به مرحله تأثیرگذاری فعال بر معادلات منطقه‌ای است؛ گذاری که ریشه در اعتقادات انقلابی، تجربه جنگ طولانی و درک دقیق از نقاط ضعف دشمنان دارد و تا پایان اشغالگری و مداخله خارجی ادامه خواهد یافت.**

**پیشروی حساب‌شده نیروهای انقلابی در سواحل غربی و جبهه‌های تعز و عدن، فراتر از یک موفقیت نظامی معمولی، بیانگر فروپاشی تدریجی پروژه نیابتی عربستان در یمن است، پروژه‌ای که با تزریق میلیاردها دلار و به‌کارگیری مزدوران فاقد انگیزه ایدئولوژیک، نتوانست در برابر پیوند عمیق رزمندگان یمنی با مردم و جغرافیا دوام بیاورد.**

**اشاره:**
**انقلابیون یمن در سه جبهه هم‌زمان، معادلات قدرت در شبه‌جزیره عربستان و دریای سرخ را دگرگون ساخته‌اند؛ آنان با حملات موشکی و پهپادی دقیق به تأسیسات نفتی آرامکو، فرودگاه‌های کلیدی از جمله فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض و اعلام محاصره دریایی علیه کشتی‌های سعودی، هزینه‌های سنگینی بر رژیم آل‌سعود تحمیل کرده‌اند و تصویر شکست‌ناپذیری آن را فروریخته‌اند، در حالی که در میدان داخلی یمن با پیشروی‌های حساب‌شده در سواحل غربی، تنگ‌تر کردن حلقه محاصره تعز و نزدیک‌شدن به عدن، مزدوران وابسته به ریاض را در موقعیت دفاعی قرار داده‌اند و نشان داده‌اند که اراده مردمی و تاکتیک‌های بومی بر تجهیزات پیشرفته و بودجه کلان غلبه می‌کند؛ همزمان با پیوستن عملی به جبهه مقاومت پس از طوفان‌الاقصی، انصارالله با هدف قرار دادن کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی، اختلال در بندر ایلات و شلیک موشک‌های بالستیک به سرزمین‌های اشغالی، خطوط دریایی حیاتی دشمن را مختل کرده و پس از وقفه‌های موقت، با ازسرگیری عملیات‌ها در سال ۲۰۲۶، بازدارندگی خود را به سطح جدیدی رسانده است؛ این مجموعه اقدامات، که ریشه در اعتقادات انقلابی، ساختار قبیله‌ای و تجربه طولانی جنگ دارد، نه‌تنها مشروعیت پروژه‌های مداخله‌گرانه سعودی و حمایت غربی را زیر سؤال برده، بلکه یمن را از یک بحران محلی به بازیگری استراتژیک تبدیل کرده که قادر است معادلات انرژی، کشتیرانی و امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و تا پایان اشغال و جنایت در فلسطین، به ایستادگی خود ادامه خواهد داد. تداوم این مسیر، وابستگی روزافزون قدرت‌های منطقه‌ای به محاسبات جدید را اجتناب‌ناپذیر ساخته و نشان می‌دهد که هیچ برتری تسلیحاتی بدون پشتوانه اجتماعی پایدار نخواهد ماند. تجربه یمن همچنین ثابت کرده است که محاصره و فشار اقتصادی، اگر با اراده جمعی روبه‌رو شود، می‌تواند به نقطه قوت نیروی مقاومت تبدیل گردد. در نهایت، آن‌چه در میدان‌های نبرد یمن رخ می‌دهد، پیامی روشن برای آینده نظم منطقه‌ای دارد: دوران تحمیل اراده از بیرون رو به پایان است.**



**نقش‌آفرینی پایدار انصارالله در دریای سرخ و بازدارندگی فعال علیه رژیم صهیونیستی، هزینه تداوم اشغالگری و جنایت در فلسطین را به‌طور محسوسی افزایش خواهد داد و محاسبات تل‌آویو را پیچیده‌تر می‌سازد؛ اگر این دستاوردهای میدانی با تعمیق پیوندهای اجتماعی و نهادسازی همراه شود، یمن از یک نیروی مقاومت محلی به قطب تأثیرگذار منطقه‌ای تبدیل خواهد شد که نه فقط معادلات انرژی و امنیت دریایی، بلکه مسیر آینده مقاومت ضد اشغالگری را نیز تحت‌تأثیر عمیق قرار می‌دهد.**
**به نظر می‌رسد آینده‌ای که انقلابیون یمن رقم می‌زنند، نه تداوم وضعیت موجود، بلکه گذار تدریجی به نظمی تازه است که در آن اراده مردمی و قدرت بومی، جای سلطه متکی بر ثروت نفتی و حمایت خارجی را تنگ کرده و معادلات امنیتی، اقتصادی و سیاسی شبه جزیره عربستان را از اساس بازتعریف می‌کند، فشاری ساختاری که رژیم سعودی را در موقعیت مدیریت بحران دائمی قرار خواهد داد و هم مشروعیت داخلی‌اش را فرسوده می‌سازد و هم اعتماد شرکای غربی را با تردیدهای عمیق روبه‌رو خواهد کرد.**

**سرویس خارجی-** در جغرافیای پرالتهاب غرب آسیا، جایی که تاریخ همواره با خون و ایستادگی نوشته شده، یمن بیش از یک سرزمین است؛ نماد اراده‌ای که در برابر سنگین‌ترین فشارها خم نشده و در دل محاصره و جنگ، راهی تازه برای مقاومت گشوده است. این سرزمین کوهستانی و دریایی، قرن‌هاست که مردمانی را در خود پرورش داده که سلاح را نه ابزار سلطه، بلکه وسیله دفاع از کرامت و استقلال می‌دانند. انقلابیون یمن، برآمده از همین بستر تاریخی و اجتماعی، امروز به یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های مقاومت در برابر پروژه‌های سلطه‌طلبانه تبدیل شده‌اند.

جنگ‌هایی که بر این کشور تحمیل شده، تنها نبرد بر سر قدرت سیاسی نبوده است. آن‌چه در یمن جریان دارد، تقابل دو نگاه متفاوت به انسان و جامعه است: نگاهی که ملت‌ها را ابزار تأمین منافع قدرت‌های خارجی می‌بیند و نگاهی که بر حق تعیین سرنوشت و ایستادگی در برابر ظلم پای می‌فشارد. رژیم‌هایی که با ثروت نفت و حمایت قدرت‌های بزرگ وارد این میدان شدند، گمان می‌کردند با بمباران و محاصره می‌توانند اراده یک مردم را در هم بشکنند. اما تجربه یمن بار دیگر ثابت کرد که محاسبات مادی در برابر ایمان و پایداری، همواره ناکام می‌مانند.

انقلابیون یمن در این مسیر طولانی، نه‌تنها از هویت خود دفاع کرده‌اند، بلکه به بخشی از یک جبهه گسترده‌تر تبدیل شده‌اند که مرزهای جغرافیایی را درنوردیده است. ایستادگی آنان در برابر تجاوز، الهام‌بخش کسانی بوده که در نقاط دیگر منطقه، طعم اشغال و تبعیض را چشیده‌اند. این پیوند ناگسستنی میان رنج‌ها و آرمان‌ها، یمن را از یک بحران محلی به موضوعی استراتژیک در معادلات قدرت منطقه بدل کرده است.

آن‌چه امروز در میدان‌های نبرد و عرصه بازدارندگی مشاهده می‌شود، نتیجه سال‌ها انباشت تجربه، بومی‌سازی توانمندی‌ها و اعتماد به نیروهای مردمی است. انقلابیون یمن نشان داده‌اند که کمبود منابع تسلیحاتی پیشرفته نمی‌تواند مانعی جدی در برابر اراده سازمان‌یافته باشد. آنان با تکیه بر شناخت عمیق از جغرافیا، فرهنگ قبیله‌ای و اعتقادات ریشه‌دار، ساختاری مقاوم ساخته‌اند که در برابر فشارهای فرسایشی تاب آورده و حتی توانسته ابتکار عمل را در دست بگیرد.

رژیم‌هایی که روزی با غرور تمام از توانایی خود برای تغییر معادلات یمن سخن می‌گفتند، اکنون ناچارند با واقعیتی متفاوت روبه‌رو شوند. پروژه‌هایی که با میلیاردها دلار و حمایت خارجی آغاز شد، نه‌تنها به نتیجه مطلوب نرسید، بلکه هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای بر دوش طراحانش گذاشت. این شکست، تنها نظامی نیست؛ شکستی است در سطح اراده و مشروعیت. قدرتی که نتواند اراده یک ملت را مهار کند، دیر یا زود مشروعیت ادعاهای خود را نیز از دست می‌دهد.

در چنین بستری، بررسی نقش انقلابیون یمن ضرورتی انکارناپذیر است. نه از آن‌رو که صرفاً یک نیروی نظامی جدید ظهور کرده، بلکه از آن جهت که الگویی تازه از مقاومت در برابر سلطه ارائه شده است؛ الگویی که مرز میان ضعف مادی و قدرت معنوی را بازتعریف می‌کند. یمن امروز، آینه‌ای است که ناکامی پروژه‌های مداخله‌گرانه را به‌روشنی بازمی‌تاباند و در عین حال، امید را در دل ملت‌هایی زنده نگه می‌دارد که همچنان در برابر اشغال و تبعیض ایستاده‌اند.

این گزارش در پی آن است تا لایه‌های مختلف این ایستادگی را بکاود و نشان دهد چگونه اراده یک مردم می‌تواند معادلات قدرت را دگرگون سازد. انقلابیون یمن، بیش از آن‌که بازیگرانی در یک جنگ محلی باشند، نمایندگان نسلی هستند که نمی‌پذیرند سرنوشت‌شان در اتاق‌های فکر قدرت‌های خارجی رقم بخورد. داستان آنان، داستان مقاومت است؛ مقاومتی که همچنان ادامه دارد و پیامدهایش مرزهای یمن را درنوردیده است.

**انقلابیون و رژیم سعودی**

در سال‌های اخیر، انقلابیون یمن با اتکا به توان بومی و اراده‌ای که از عمق اعتقادات و تجربه طولانی مقاومت شکل گرفته، ضربات سنگینی به رژیم سعودی وارد کرده‌اند که معادلات قدرت در شبه‌جزیره عربستان را به چالش کشیده است. این حملات نه از سر ماجراجویی، بلکه پاسخی منطقی به سال‌ها تجاوز هوایی، محاصره اقتصادی و حمایت بی‌دریغ ریاض از جنایات علیه مردم یمن بوده است. رژیم آل‌سعود که خود را قدرت بلامنازع منطقه می‌پنداشت، اکنون با واقعیتی روبه‌رو است که هزینه‌های سنگین مداخله‌اش را هر روز بیشتر به رخ می‌کشد.

یکی از مؤثرترین ابعاد این رویارویی، حملات موشکی و پهپادی دقیق انقلابیون یمن به تأسیسات حیاتی نفتی عربستان بوده است. پالایشگاه‌ها و مراکز انتقال نفت آرامکو در مناطق جنوبی و غربی کشور بارها هدف قرار گرفته‌اند و این حملات نه‌تنها خسارات فیزیکی ایجاد کرده‌اند، بلکه پیام روشنی به بازارهای جهانی انرژی ارسال کرده‌اند که امنیت انرژی عربستان دیگر تضمین‌شده نیست. رژیم سعودی که اقتصادش بر صادرات نفت استوار است، ناچار شده هزینه‌های امنیتی خود را به‌شدت افزایش دهد و در عین حال شاهد کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران باشد.

حملات به فرودگاه‌های کلیدی عربستان، از جمله فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض، بعد دیگری از این ضربات سنگین را نمایان ساخته است. این عملیات‌ها که با موشک‌های بالستیک و پهپادهای دوربرد انجام شده، بارها باعث اختلال در پروازها، تخلیه مسافران و ایجاد جو روانی سنگین در پایتخت شده‌اند. رژیم سعودی که همواره تصویر ثبات و امنیت مطلق را تبلیغ می‌کرد، اکنون مجبور است هر شب سامانه‌های پدافندی خود را در آماده‌باش کامل نگه دارد و هزینه‌های سرسام‌آور دفاع هوایی را تحمل کند.

اعلام محاصره دریایی علیه کشتی‌ها و بنادر مرتبط با عربستان از سوی نیروهای مسلح یمن، ضربه اقتصادی دیگری بود که عمق آسیب‌پذیری ریاض را آشکار ساخت. کشتی‌های سعودی در مسیرهای دریایی حیاتی با تهدید جدی روبه‌رو شدند و برخی از آنها هدف حملات قرار گرفتند. این اقدام نه‌تنها هزینه‌های کشتیرانی عربستان را بالا برد، بلکه نشان داد انقلابیون یمن قادرند خطوط حیاتی تجارت دریایی دشمن را مختل کنند؛ چیزی که رژیم سعودی با تمام تجهیزات پیشرفته‌اش نتوانسته به‌طور کامل خنثی سازد.

تأثیر روانی این حملات بر جامعه و نخبگان سعودی نیز قابل چشم‌پوشی نیست. هر بار که آژیر خطر در ریاض یا جده به صدا درمی‌آید و موشک‌های یمنی در آسمان ظاهر می‌شوند، تصویر شکست‌ناپذیری آل‌سعود ترک برمی‌دارد. مردم عادی که سال‌ها با تبلیغات رسانه‌ای رژیم زندگی کرده‌اند، اکنون با واقعیت جنگ فرسایشی روبه‌رو هستند و این امر مشروعیت داخلی حاکمان را بیش از پیش زیر سؤال برده است.

از منظر استراتژیک، این ضربات نشان‌دهنده شکست سیاست خارجی ماجراجویانه عربستان است. رژیمی که با حمایت غرب و هزینه میلیاردها دلار وارد جنگ یمن شد تا انقلابیون را نابود کند، اکنون خود هدف حملات مداوم قرار گرفته و ناچار است منابع عظیمی را صرف دفاع از خاک خود کند. این وضعیت، هزینه فرصت سنگینی برای ریاض ایجاد کرده و برنامه‌های بلندپروازانه اقتصادی و منطقه‌ای آن را با مانع جدی مواجه ساخته است.

انقلابیون یمن با وجود محاصره چندساله و کمبود منابع، توانسته‌اند با تکیه بر فناوری بومی و تاکتیک‌های نامتقارن، پدافند هوایی پیشرفته سعودی را به چالش بکشند. بسیاری از موشک‌ها و پهپادها با وجود ادعاهای رهگیری، یا به اهداف اصابت کرده‌اند یا سامانه دفاعی دشمن را مجبور به مصرف گسترده مهمات گران‌قیمت کرده‌اند. این فرسایش تدریجی توان دفاعی عربستان، یکی از دستاوردهای مهم جبهه مقاومت یمن به‌شمار می‌رود.

**انقلابیون یمن با تکیه بر توان بومی و تاکتیک‌های نامتقارن، نه تنها تأسیسات نفتی و فرودگاه‌های حیاتی عربستان را هدف قرار داده‌اند، بلکه با ایجاد اختلال پایدار در امنیت انرژی و روانی رژیم سعودی، نشان داده‌اند که قدرت مادی بدون پشتوانه مشروعیت مردمی، در برابر اراده سازمان‌یافته مقاومت تاب نمی‌آورد و هزینه‌های مداخله خارجی را به خود متجاوز بازمی‌گرداند.**

رژیم سعودی در واکنش به این حملات، بارها دست به بمباران مناطق مسکونی و غیرنظامی یمن زده و با این کار چهره واقعی خود را بیشتر نمایان ساخته است. در حالی که انقلابیون عمدتاً اهداف نظامی و اقتصادی استراتژیک را نشانه می‌روند، ریاض با حملات کور و بی‌هدف، خشم عمومی را در یمن و منطقه افزایش داده و مشروعیت اخلاقی خود را از دست داده است. این تضاد رفتاری، تصویر متجاوز بودن آل‌سعود را در افکار عمومی تقویت کرده است.

تداوم این حملات، پیام روشنی به حامیان غربی عربستان نیز ارسال کرده است. آمریکا و متحدانش که سال‌ها از رژیم سعودی حمایت تسلیحاتی و سیاسی کرده‌اند، اکنون شاهد آن هستند که هزینه این حمایت روزبه‌روز بالاتر می‌رود و ثبات یکی از شرکای کلیدی‌شان به خطر افتاده است. انقلابیون یمن با این اقدامات، نشان داده‌اند که هیچ قدرتی نمی‌تواند بدون پرداخت هزینه سنگین، حقوق ملت‌ها را پایمال کند.

در نهایت، جنگ انقلابیون یمن با عربستان بیش از آن‌که نبردی نظامی باشد، نبردی بر سر اراده و مشروعیت است. رژیم سعودی با وجود ثروت نفتی و حمایت خارجی، نتوانسته اراده مقاومت یمن را بشکند و اکنون خود زیر بار سنگین ضربات متقابل قرار گرفته است. این واقعیت، درس بزرگی برای همه قدرت‌های مداخله‌گر است که تجاوز به ملت‌های مقاوم، دیر یا زود به خانه خودشان بازمی‌گردد و هزینه‌ای به مراتب سنگین‌تر از آن‌چه تصور می‌کردند، به همراه دارد.

**انقلابیون و مزدوران سعودی در یمن**

در میدان نبرد داخلی یمن، انقلابیون با تکیه بر اراده مردمی و تجربه طولانی مقاومت، جبهه‌های متعددی را علیه مزدوران وابسته به رژیم سعودی گشوده‌اند و توانسته‌اند موازنه قدرت را به‌طور محسوسی به نفع خود تغییر دهند. نیروهای وابسته به ریاض که با بودجه کلان و تجهیزات غربی تجهیز شده‌اند، در برابر تاکتیک‌های هوشمندانه و انگیزه بالای رزمندگان یمنی بارها متحمل شکست شده‌اند. این رویارویی نه جنگی معمولی، بلکه نبردی است میان اراده یک ملت برای استقلال و پروژه‌ای خارجی برای تسلط بر یمن.

یکی از عرصه‌های کلیدی این جنگ، سواحل غربی یمن بوده است. انقلابیون با عملیات‌های دقیق و هماهنگ، کنترل بخش‌های گسترده‌ای از نوار ساحلی را به دست گرفته‌اند و مواضع استراتژیک مزدوران را یکی پس از دیگری سقوط داده‌اند. این پیشروی‌ها نه‌تنها خطوط تدارکاتی دشمن را قطع کرده، بلکه امکان مانور نیروهای وابسته به عربستان را به‌شدت محدود ساخته و آنها را در موقعیت دفاعی قرار داده است.

در جبهه تعز و مناطق اطراف آن، فشار مستمر انقلابیون باعث شده حلقه محاصره بر شهر و محورهای ارتباطی آن تنگ‌تر شود. مزدوران سعودی که سال‌ها با حمایت هوایی و مالی ریاض در این منطقه حضور داشتند، اکنون با کمبود روحیه و فروپاشی خطوط دفاعی روبه‌رو هستند. رزمندگان یمنی با بهره‌گیری از شناخت دقیق جغرافیای محلی و حمایت مردم، توانسته‌اند مواضع مستحکم دشمن را دور بزنند و ابتکار عمل را در دست بگیرند. پیشروی به سمت عدن، پایتخت موقت دولت مستعفی، یکی از تحولات مهم میدان نبرد بوده است. نیروهای انقلابی با حرکت حساب‌شده در محورهای ساحلی و کوهستانی، فاصله خود را با این شهر کاهش داده‌اند و مزدوران را مجبور به عقب‌نشینی و تمرکز نیرو برای دفاع از آن کرده‌اند. این وضعیت نشان‌دهنده شکست استراتژی ریاض در ایجاد یک نیروی پایدار و وفادار در جنوب یمن است.

رژیم سعودی با تزریق میلیاردها دلار و به‌کارگیری مزدوران خارجی و داخلی، تلاش کرد هویت و اراده مردم یمن را درهم بشکند، اما نتیجه عکس شده است. هرچه فشار اقتصادی و نظامی بیشتر شده، انسجام داخلی انقلابیون و حمایت مردمی از آنها افزایش یافته است. مزدوران که انگیزه‌ای جز دریافت حقوق ندارند، در برابر رزمندگانی که برای وطن و اعتقادات خود می‌جنگند، تاب مقاومت ندارند.

در جبهه‌های مأرب و الجوف نیز انقلابیون با عملیات‌های ایذایی و ضربات دقیق، توانسته‌اند خطوط دفاعی مزدوران را فرسوده کنند و ابتکار عمل را حفظ نمایند. این نبردها نشان‌دهنده برتری تاکتیکی نیروهای یمنی است که با وجود محدودیت در تجهیزات سنگین، از دانش بومی و انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند و دشمن را در موقعیت واکنشی قرار داده‌اند. یکی از نقاط قوت انقلابیون، توانایی آنها در حفظ و گسترش کنترل بر مناطق آزادشده است. برخلاف مزدوران که حضورشان متکی به حمایت خارجی است، نیروهای یمنی با ایجاد ساختارهای اداری و امنیتی محلی، پیوند عمیقی با مردم برقرار کرده‌اند. این امر باعث شده پیشروی‌ها پایدار باشد و امکان بازگشت آسان دشمن از بین برود. رژیم سعودی در این جنگ داخلی، چهره واقعی خود را به عنوان حامی اصلی ناآرامی و ویرانی یمن نشان داده است. با تأمین مالی گروه‌های مسلح وابسته و تشویق آن‌ها به جنگ فرسایشی، ریاض نه‌تنها خون هزاران یمنی را ریخته، بلکه کشور را به صحنه رقابت نیابتی تبدیل کرده است. این سیاست شکست‌خورده، امروز با پیشروی‌های میدانی انقلابیون در حال فروپاشی است.

روحیه بالای رزمندگان یمنی و اعتقاد راسخ آنها به حقانیت راه‌شان، عامل تعیین‌کننده‌ای در موفقیت‌های اخیر بوده است. در حالی که مزدوران عربستان با کوچک‌ترین فشار دچار تزلزل می‌شوند، انقلابیون حتی در شرایط سخت محاصره و کمبود، خطوط خود را حفظ کرده و به پیشروی ادامه داده‌اند. این تفاوت ماهوی، رمز پایداری جبهه مقاومت یمن است.

در مجموع، جنگ انقلابیون یمن علیه مزدوران وابسته به عربستان در داخل کشور، نبردی نابرابر اما پیروزمندانه بوده است. هر پیشروی جدید، نه‌تنها شکست نظامی دشمن را رقم زده، بلکه مشروعیت سیاسی پروژه سعودی در یمن را بیش از پیش زیر سؤال برده است. رژیم آل‌سعود که روزی خیال تسلط کامل بر یمن را در سر می‌پروراند، اکنون شاهد آن است که اراده یک ملت مقاوم، تمام محاسباتش را بر هم زده است.

**انقلابیون و رژیم آپارتاید اسرائیل**

از همان روزهای پس از طوفان‌الاقصی، انصارالله با شلیک موشک‌های بالستیک و پهپادهای دوربرد به سمت سرزمین‌های اشغالی و سپس هدف قرار دادن کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی در دریای سرخ، وارد معادله شد. توقیف کشتی گلکسی لیدر متعلق به تاجر صهیونیست نزدیک به محافل امنیتی رژیم، نقطه عطفی بود که نشان داد یمن حتی با امکانات محدود می‌تواند خطوط دریایی حیاتی دشمن را مختل کند. این اقدام نه دزدی دریایی، بلکه عملیاتی نظامی در چارچوب اعلام قبلی و هشدار به کشتی‌های مرتبط با رژیم اشغالگر بود.

در سال‌های پس از آن، انصارالله برنامه استراتژیک تدریجی خود را پیش برد: ابتدا هدف قرار دادن بندر ایلات و اختلال در کریدور دریایی جنوب، سپس گسترش حملات به کشتی‌های مرتبط با اسرائیل، آمریکا و بعدها عربستان. شرکت‌های بزرگ کشتیرانی جهان مجبور شدند مسیر دماغه امیدنیک را انتخاب کنند. هزینه‌های حمل‌ونقل افزایش یافت، زمان سفر طولانی‌تر شد و بندر ایلات تقریباً فلج گردید. گدئون گلبر، مدیرکل سابق این بندر، خود اعتراف کرده بود که تهدیدات یمن ۸۰ تا ۸۵ درصد سود بندر را از بین برده است.

امروز در سال ۲۰۲۶، این فشار نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه عمق بیشتری پیدا کرده است. انصارالله پس از آتش‌بس موقت غزه در مهر ۱۴۰۴، عملیات‌های خود را موقتاً تعدیل کرد، اما با آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اواخر بهمن ۱۴۰۴، بار دیگر به صحنه بازگشت. از اواخر اسفند ۱۴۰۴، موشک‌های بالستیک یمنی بار دیگر به سمت اهداف حساس در سرزمین‌های اشغالی شلیک شدند و هم‌زمان اعلام شد که دریانوردی رژیم صهیونیستی در دریای سرخ کاملاً ممنوع است.

**انصارالله با تبدیل دریای سرخ به عرصه بازدارندگی فعال علیه رژیم صهیونیستی، نه فقط خطوط کشتیرانی حیاتی دشمن را مختل کرده، بلکه معادله سنتی قدرت در منطقه را دگرگون ساخته و ثابت کرده است که یک نیروی محاصره‌شده می‌تواند با اراده و خلاقیت، تأثیر راهبردی فراتر از مرزهای خود ایجاد کند.**

تحولات میدانی سال جاری اما بسیار فراتر از حملات موشکی و دریایی بوده است. از تابستان ۱۴۰۵، با ازسرگیری درگیری‌ها با نیروهای وابسته به دولت مستعفی و ائتلاف سعودی، انصارالله پیشروی‌های چشمگیری در ساحل غربی یمن انجام داد. کنترل بندر مخا، جزایر حنیش، پرین و مناطق مشرف به باب‌المندب را تثبیت کرد. نیروهای دولتی مجبور به عقب‌نشینی از مواضع ساحلی شدند و اعلام کردند برای دفاع از عدن، نیروهای خود را بازآرایی می‌کنند. گزارش‌ها حاکی از آن است که نیروهای انصارالله در برخی نقاط تا حدود ۶۰ تا ۸۰ کیلومتری عدن پیشروی کرده‌اند و شهر تعز همچنان تحت فشار محاصره قرار دارد.

این پیشروی‌ها صرفاً نمادین نیستند. کنترل کامل‌تر سواحل دریای سرخ و تنگه باب‌المندب، توان انصارالله را برای رصد، هدف‌گیری و اختلال در تردد کشتی‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش داده است. تحلیلگران غربی نیز اذعان دارند که انصارالله اکنون نه‌تنها تهدیدکننده کشتیرانی مرتبط با اسرائیل، بلکه عاملی مؤثر در معادلات انرژی منطقه است؛ به‌ویژه پس از آن‌که با اعلام محاصره دریایی علیه عربستان سعودی، کشتی‌ها و تأسیسات آرامکو را نیز هدف قرار داد. حملات به فرودگاه‌ها و مراکز حیاتی ریاض و بنادر سعودی، نشان‌دهنده گسترش دامنه بازدارندگی یمنی‌هاست.

از منظر نظامی و ژئوپلیتیکی، مداخله و سپس تثبیت موقعیت انصارالله، همچنان نقطه عطفی مهم محسوب می‌شود. در حالی که بسیاری از دولت‌های عربی ثروتمند یا سکوت اختیار کرده‌اند یا حتی در ائتلاف‌های ضد مقاومت شرکت جسته‌اند، یمن جنگ‌زده و محاصره‌شده، جبهه‌ای واقعی و پرهزینه علیه رژیم صهیونیستی و حامیانش گشوده است. یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، همچنان شخصیتی است که بیانیه‌هایش با دقت دنبال می‌شود؛ چرا که توانسته قواعد بازی را در دریای سرخ و فراتر از آن تغییر دهد.

توانمندی‌های نظامی انصارالله نیز در این سال‌ها رشد چشمگیری داشته است. پهپادهای سری صماد با بردهای طولانی، موشک‌های بالستیک و کروز، قایق‌های انفجاری و سامانه‌های ساحلی، همگی بومی‌سازی و ارتقا یافته‌اند. گزارش‌های مراکز تحقیقاتی غربی و حتی ارزیابی‌های صهیونیستی، انصارالله را پس از حزب‌الله، یکی از پیشرفته‌ترین نیروهای محور مقاومت در زمینه پهپاد و موشک می‌دانند. این توانمندی‌ها ریشه در سنت مسلح بودن جامعه یمن، ساختار قبیله‌ای و تجربه طولانی جنگ با ائتلاف سعودی دارد. در یمن، سلاح بخشی از فرهنگ و هویت است و انصارالله با تکیه بر همین پشتوانه اجتماعی و اعتقادات زیدی انقلابی، توانسته هزینه‌های جنگ فرسایشی را تحمل کند.

تأثیرات اقتصادی این عملیات‌ها بر رژیم صهیونیستی و اقتصاد جهانی همچنان محسوس است. کریدورهای دریایی حیاتی اسرائیل که از باب‌المندب می‌گذشتند، یا مختل شده‌اند یا پرهزینه. شرکت‌هایی که زمانی بیش از نیمی از تجارت کانتینری جهان را در اختیار داشتند، مسیرهای جایگزین را انتخاب کردند. حتی پس از برخی آتش‌بس‌های موقت، تهدید انصارالله به عنوان عاملی پایدار باقی مانده است. تحلیلگرانی مانند عبدالباری عطوان بارها تأکید کرده‌اند که محاصره دریایی یمن، قوی‌ترین حمایت عملی از مقاومت فلسطین بوده و دولت‌های عربی را نیز در تنگنا قرار داده است.

آمریکا و غرب در این مدت بارها تلاش کردند با عملیات‌های هوایی و دریایی (از جمله کارزارهای ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵) انصارالله را مهار کنند، اما نتیجه نهایی، تثبیت و حتی گسترش قدرت یمنی‌ها بود. تهدیدات مکرر پنتاگون و تشکیل ائتلاف‌هایی مانند نگهبان رفاه، نتوانست اراده مقاومت را بشکند. امروز نیز در حالی که نیروهای دولتی یمن عقب‌نشینی می‌کنند و عربستان مجبور به تغییر فرماندهان نظامی خود شده، انصارالله هشدار می‌دهد که هر اقدام خصمانه‌ای هزینه سنگینی خواهد داشت.

در پایان، این پرسش همچنان مطرح است که گسترش جبهه یمن چه معنایی برای بازدارندگی محور مقاومت و خطر جنگ منطقه‌ای دارد. چند نکته قابل‌تأمل است: نخست، ریشه بسیاری از موفقیت‌های انصارالله در اعتقادات و تفسیر انقلابی از مفاهیم جهاد و مقاومت نهفته است که تحمل سختی‌ها را ممکن ساخته. دوم، استراتژی نامتقارن و ارسال پیام بازدارندگی، همچنان محور اصلی اقدامات است. سوم، آمریکا و غرب با وجود تهدیدات، از ورود به جنگ تمام‌عیار با انصارالله و گسترش جبهه‌ها پرهیز می‌کنند؛ چرا که امنیت پایگاه‌ها و منافع منطقه‌ای‌شان در خطر است.

قدرت بازدارندگی انصارالله با پیشروی‌های میدانی اخیر و کنترل مؤثرتر باب‌المندب، وارد مرحله جدیدی شده است. رژیم صهیونیستی و حامیان غربی‌اش ناچارند این واقعیت را بپذیرند که یمن دیگر نه یک تهدید حاشیه‌ای، بلکه بازیگری است که می‌تواند معادلات انرژی، کشتیرانی و امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. تا زمانی که اشغال و جنایت در فلسطین ادامه دارد، عملیات‌های انصارالله نیز ادامه خواهد یافت.

**آینده‌ای که یمن رقم می‌زند**

اگر روندهای کنونی میدان نبرد و معادلات بازدارندگی ادامه یابد، انقلابیون یمن در افق یک تا دو سال آینده نه‌تنها موقعیت خود را در داخل کشور تثبیت خواهند کرد، بلکه فشار ساختاری بر رژیم سعودی را به سطحی خواهند رساند که ریاض ناچار به بازنگری بنیادین در سیاست منطقه‌ای خود شود. کنترل مؤثرتر سواحل غربی و نزدیکی به نقاط استراتژیک، در کنار تداوم حملات دقیق به عمق خاک عربستان، هزینه‌های امنیتی و اقتصادی این رژیم را به‌طور تصاعدی افزایش خواهد داد. در چنین شرایطی، عربستان بیش از آن‌که بتواند ابتکار عمل را بازپس گیرد، احتمالاً در موقعیت مدیریت بحران دائمی قرار خواهد گرفت؛ بحرانی که هم مشروعیت داخلی‌اش را فرسوده می‌کند و هم اعتماد شرکای غربی را با تردیدهای جدی روبه‌رو می‌سازد.

در میان‌مدت، نقش انصارالله در معادله فلسطین و بازدارندگی منطقه‌ای عمیق‌تر خواهد شد. تبدیل باب‌المندب به اهرم فشار پایدار علیه رژیم صهیونیستی، به معنای آن است که هرگونه تشدید جنایات در غزه یا گسترش جنگ، با پاسخ سریع و پرهزینه از سوی یمن همراه خواهد بود. این واقعیت، محاسبات تل‌آویو و حامیانش را پیچیده می‌کند و هزینه تداوم اشغالگری را بالا می‌برد. هم‌زمان، تجربه موفق یمن در ترکیب جنگ نامتقارن زمینی با قدرت موشکی و دریایی، الگویی عملی برای دیگر نیروهای مقاومت ایجاد خواهد کرد و محور مقاومت را از حالت واکنشی به بازیگری فعال‌تر در شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای سوق خواهد داد.

در افق بلندمدت‌تر، آن‌چه در یمن در حال شکل‌گیری است، فراتر از یک پیروزی نظامی مقطعی است. این روند می‌تواند به بازتعریف توازن قدرت در شبه‌جزیره عربستان و دریای سرخ منجر شود؛ جایی که اراده مردمی و توان بومی، جای سلطه متکی بر ثروت نفتی و حمایت خارجی را تنگ کرده است. اگر انقلابیون یمن بتوانند دستاوردهای میدانی خود را با ساخت نهادهای پایدار و تعمیق پیوند با جامعه همراه سازند، یمن نه فقط از زیر سایه مداخله خارجی خارج خواهد شد، بلکه به یکی از قطب‌های تأثیرگذار در معادلات انرژی، امنیت دریایی و مقاومت ضد اشغالگری تبدیل می‌گردد. تاریخ نشان داده است که ملت‌هایی که هزینه ایستادگی را پرداخته‌اند، دیر یا زود مسیر آینده منطقه را نیز رقم می‌زنند.

افزون بر این، تثبیت موقعیت یمن به‌عنوان بازیگری مستقل و مؤثر، می‌تواند معادله وابستگی امنیتی برخی دولت‌های عربی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای را نیز با پرسش روبه‌رو کند؛ چرا که تجربه عملی انصارالله نشان داده است اتکا به ظرفیت‌های بومی و اراده جمعی، بیش از پیمان‌های نظامی خارجی، امنیت پایدار ایجاد می‌کند و این درس، به‌تدریج در محاسبات سایر بازیگران منطقه نیز بازتاب خواهد یافت. در شرایطی که بسیاری از پایتخت‌های عربی همچنان امنیت خود را در سایه حمایت خارجی جست‌وجو می‌کنند، الگوی یمن می‌تواند به‌تدریج این تصور رایج را تضعیف کند که بدون پایگاه‌های خارجی و تسلیحات وارداتی، امکان بازدارندگی وجود ندارد. اگر این روند ادامه یابد، نه‌تنها مشروعیت برخی ائتلاف‌های امنیتی موجود زیر سؤال خواهد رفت، بلکه فضای تازه‌ای برای بازتعریف روابط قدرت در منطقه براساس توانمندی‌های درونی و همبستگی مقاومت‌محور گشوده خواهد شد.